

زندگی دائمی دهه هفتادی‌ها در تورم

بررسی‌های یک مطالعه در خصوص پیامدهای تورم بر زندگی جوانان نشان داد که تورم باعث شکل‌گیری احساس ابهام و بی‌هنجاری در زندگی روزمره آن‌ها شده است.



بررسی‌های یک مطالعه در خصوص پیامدهای تورم بر زندگی جوانان نشان داد که تورم باعث شکل‌گیری احساس ابهام و بی‌هنجاری در زندگی روزمره آن‌ها شده است. این وضعیت به تدریج بخشی عادی و ماندگار در زندگی جوانان شده و پیامدهای خرد و کلان زیادی به دنبال دارد.

به گزارش ایسنا، تورم پدیده‌ای آشنا و تجربه‌ای نزدیک و تکراری برای مردم است. اقتصاد ایران در دهه‌های اخیر چندین موج تورمی شدید را تجربه کرده است. به همین دلیل تمام نسل‌ها با آن درگیر هستند و به یکی از تجربه‌های فراگیر جامعه ایرانی تبدیل شده است. تورم از جمله شاخص‌هایی است که برای افراد جامعه به طور مستقیم قابل لمس است و ارتباط مستقیمی با سطح رفاه مردم و فعالیت‌های فعالان اقتصادی دارد.

بر اساس اعلام مرکز آمار ایران میزان تورم کلی کشور در سال ۱۳۹۸ به ۳۷.۶ درصد رسیده است. افزایش میزان نوسانات تورم موجب کاهش قدرت پیش‌بینی و بی‌اعتمادی نسبت به آینده می‌شود. ویژگی مهم میزان تورم از سال ۱۳۸۴ به بعد، بی‌ثباتی و نوسانات بسیار زیاد آن نسبت به تورم با ثبات و هموار دوره قبلی است.

پژوهشگران معتقدند که تورم چیزی بیشتر از مسئله اقتصادی است که در ساختارهای اجتماعی و سیاسی رخنه کرده است و تقریباً بر همه پدیده‌های اجتماعی و اقتصادی تأثیرگذار است. به همین دلیل پژوهشگران جامعه‌شناسی، با انجام مطالعه‌ای تجربه و تفسیر جوانان طبقه پایین متولد دهه ۱۳۷۰ را مورد بررسی قرار دادند. در این پژوهش «حسین افراسیابی» و «مریم بهارلوئی»؛ پژوهشگران جامعه‌شناسی دانشگاه یزد، مشارکت داشتند.

در این پژوهش کیفی، با ۳۰ نفر از جوانان ۲۰ تا ۳۴ ساله شهر اصفهان که در مناطق فقیرنشین شهر زندگی می‌کردند، مصاحبه انجام شد. پیش از انجام مصاحبه در خصوص وضعیت شغلی، درآمد ماهیانه و خانواده آن‌ها سوالاتی پرسیده شد. این افراد پیش از آغاز گفتگو در فرآیند مصاحبه، خود را متعلق به طبقه پایین جامعه می‌دانستند. پس از بررسی مصاحبه‌ها، مطالب مطرح شده در ۳۴۵ مفهوم و هفت مقوله اصلی، دسته‌بندی شدند.

بررسی و دسته‌بندی صحبت‌های جوانان شرکت‌کننده نشان داد که تورم برای آن‌ها باعث «بحران انگیزه»، «عطش پول»، «غلتیدن در ابهام و روزمرگی»، «عادی‌پنداری»، «فناخت پیشگی» و «ناهنجاری‌های تعاملی» شده است.

انگیزه‌های از دست رفته

یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین چالش‌هایی که شرایط تورم برای مشارکت‌کنندگان ایجاد کرده، از دست رفتن انرژی درونی و انگیزه برای کار، فعالیت و برنامه‌ریزی است.

شرکت‌کنندگان در این مطالعه با مضامینی مثل بی‌انگیزگی، ناامیدی، نداشتن شور و شوق، نداشتن تمرکز، کم‌حوصله شدن، پرخاشگری، بلاتکلیفی، سردرگمی، احساس ناتوانی، بر باد رفتن آرزوها، محال شدن خواسته‌ها و ... به این موضوع اشاره کردند.

این وضعیت «عادی» است

مشارکت‌کنندگان جوان این پژوهش دوره‌های مختلف تورم را تجربه کرده‌اند و به همین خاطر از نظر آن‌ها تورم‌های بالا و گرانی کالاها و خدمات چیز عجیبی نیست. این نسل تورم و گرانی را امری عادی می‌پندارند و با آن زندگی می‌کنند.

جوانان در این شرایط دچار مسخ‌شدگی شده‌اند و گویی جز بی‌تفاوتی چاره‌ای برای آن وجود ندارد. سعی می‌کنند با این وضعیت کنار بیایند و به آن عادت کنند و بدون تعجب از نوسان قیمت‌ها، به زندگی ادامه دهند. آن‌ها نیازهای خود را کاهش می‌دهند و به حداقل می‌رسانند و سعی می‌کنند با افزایش تلاش و اضافه کردن ساعات کار خود به سازگاری

آن‌ها با بیان مضامینی چون؛ چندشغله شدن، افزایش ساعات کاری، عادی شدن شرایط، تعجب نکردن از نوسان قیمت، انتظار افزایش قیمت، پذیرش شرایط، کاهش نیازها، عادت به زندگی در شرایط سخت، مطیع شدن، تلاش‌های بی نتیجه و ... به عادت کردن به تورم اشاره کردند.

ابهام، روزمرگی و ترس از آینده

شرکت‌کنندگان دغدغه‌هایی مثل ترس از بیکاری، گرانی و آینده دارند. به معنای کلی تر آن‌ها با ناامنی روبرو هستند. پس اندازه‌های آنان در اثر تورم بی ارزش شده و نمی‌دانند آینده و فردای آن‌ها چه خواهد شد و از برنامه ریزی بلندمدت ناتوان هستند. همین سبب شده آرامش از زندگی آنان سلب شود و تنها به فکر گذران زندگی روزمره باشند.

در شرایطی که تورم رشد می‌کند، اجناس و کالاها گران می‌شوند و همه به دنبال این هستند که ارزش پول خود را حفظ کنند. جوانان اولویت اصلی زندگی خود را بر مبنای پول قرار داده‌اند و تمام تلاش‌ها برای به دست آوردن پول بیشتر است. تمامی گفتگوهای جوانان بر مسائل مالی و پول چرخ می‌زند و همواره در تکاپو برای دوچندان کردن پول و درآمد خود هستند.

تورم و شرایط اقتصادی بی ثبات و کنترل ناپذیر سبب شده قدرت خانواده‌ها برای تامین نیازها و تحقق خواسته‌های فرزندانشان کاهش یابد و در نتیجه جوانان به ناچار تامین بخشی از مخارج خانواده را بر عهده بگیرند. آن‌ها ناچارند از برخی خواسته‌های خود چشم‌پوشی کنند و همچون یک بزرگ سال ایفای مسئولیت کنند.

قناعت پیشگی اجباری

از مهم‌ترین سازوکارهایی که جوانان طبقه پایین برای رویارویی با تورم از آن صحبت می‌کنند، صرفه‌جویی و کاهش هزینه‌هاست. آنها سعی می‌کنند با جلوگیری از ریخت و پاش‌های اضافه، حذف فراغت و محدود کردن روابط دوستانه و مواردی از این قبیل با رویکرد قناعت با وضعیت پیش‌رو روبه‌رو شوند. برای برخی از جوانان دیگر فراغت به معنای مدرن آن که جدا از محل کار باشد، وجود ندارد و به طور چشمگیری کاهش یافته است. آنها سقف نیازهای خود را به حداقل نیازهای ممکن کاهش می‌دهند و تنها به احتیاجات ضروری خود توجه می‌کنند.

به هم خوردن روابط خانوادگی و دوستانه

در این شرایط براساس آنچه مشارکت‌کنندگان از تجربه خود نقل کردند، حمایت‌های متقابل بین خانواده‌ها کاهش یافته و اعتماد و صمیمیت نیز میان افراد خانواده و اقوام و نزدیکان کمرنگ شده است. حتی روابط همسایگی نیز مانند گذشته نیست و بسیار محدودتر شده است. براساس آنچه مشارکت‌کنندگان جوان این پژوهش اظهار کردند، والدین دیگر قادر نیستند مانند گذشته فرزندان خود را حمایت کنند، صمیمیت و گفتگوهای خانوادگی کمرنگ شده است. در مواقعی که خانواده‌ها دور هم باشند هم بحث و جدل مالی بسیار غالب است.

پژوهشگران با توجه به یافته‌های این مطالعه می‌گویند: «تورم، گرانی، رکود و ناپایداری اقتصادی، تأثیرات عمیق بر جنبه‌های فردی و فرهنگی نسل جوان دارد و می‌تواند بر ارزش‌های فرهنگی توسعه در نسل جوان تأثیر بگذارد. رهایی از فشارها و مشکلات ناگزیر تورم، ایجاد می‌کند که سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی و سیاسی، برنامه‌ریزی مدونی در زمینه نظام‌های مراقبتی در شرایط بحران و ناپایداری اقتصادی فراهم کنند».

نتایج این مطالعه به صورت مقاله علمی پژوهشی با عنوان «پیامدهای تورم در زندگی روزمره جوانان طبقه پایین» در فصل نامه جامعه‌شناسی کاربردی وابسته به دانشگاه اصفهان منتشر شده است.